

دکترین امنیتی ج.ا.ایران با تأکید بر بازدارندگی فعال و حفظ ضربه دوم

مصطفی کدخدایی^۱، شهرام عسکری حصن^۲

چکیده

بازدارندگی یکی از مفاهیم بنیادین و استراتژیک در سیاست بین‌الملل و بطورخاص در حوزه نظامی-امنیتی است و کشورها باتوجه به فوریت تهدیدات به ایجاد بازدارندگی در راستای حفظ امنیت و بقا وجودی خود اقدام می‌کنند. در منطقه خاورمیانه تهدیدات زیادی به لحاظ ذهنی و عینی علیه ایران فعال هستند. در همین راستا، الزامات تعیین دکترین امنیتی جمهوری اسلامی براساس وجود تهدیدات و شیوه مقابله مؤثر با این تهدیدات طراحی و اجرا می‌شود. روش تحقیق مقاله حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. سوال اصلی تحقیق بر این مبناست، دکترین امنیتی ایران در محیط پیرامونی بر چه اصولی استوار است؟ بطور فزاینده واضح است که نگاه غالب تئوریسین‌های جمهوری اسلامی ایران گرایش به رویکرد امنیت محور دارند، بر این اساس، دکترین امنیتی ایران علیرغم حاکم بودن روش «دولت واقعگرایی» نسبت به نحوه مقابله با تهدیدات و معضلات امنیتی منفعل نیست و از پویایی‌های استراتژیک برخوردار است. نویسنده برای آزمون این فرضیه از رئالیسم نئوکلاسیک تدافعی بهره می‌گیرد. یافته‌های تحقیق به این موضوع می‌پردازد که رویکرد تصمیم‌گیران و نخبگان کشور در مواجهه با معضلات امنیتی حوزه پیرامونی و فضای آنارشیک نظام بین‌الملل بر مبنای ایجاد بازدارندگی فعالانه استوار است. بعد اساسی در بازدارندگی فعال حفظ و ارتقاء توان امکان وارد آوردن ضربه قاطع و حتمی به بازیگرانی است که به حریم امنیتی جمهوری اسلامی تعرض کنند. قدر مسلم اقدامات ایران در حوزه راهبردی و پیرامونی دارای ماهیت تدافعی-بازدارنده با هدف مهار و پیشگیری از تهدیدات است.

واژگان کلیدی: رئالیسم نئوکلاسیک تدافعی، دکترین امنیتی، بازدارندگی، دفاع فعال، ضربه دوم

^۱ دانشجوی دکتری جغرافیا گرایش برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی تهران m.khadkhodaei57@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رفسنجان

مقدمه

جایگاه استراتژی عمومی هر نظام در تعیین چگونگی بقاء، انطباق و تحول در مقابل دیگر نهادهای رقیب و محیط نهفته است. خط قرمزهای سیاستگذاری کشور را دکترین می‌نامند و معمولاً، دکترین سیاسی جلوه اقدام نظامی در سیاست است (سیف‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۶۸). دولت‌ها بازیگران اصلی در سیاست بین‌الملل‌اند. محیط یا نظام دولتی که دولت‌ها در آن زندگی می‌کنند اساساً آنارشیک هست. تعارض در این نظام را می‌توان در بهترین حالت می‌توان در کاهش جنگ اداره نمود و جنگ را نمی‌توان منسوخ کرد (مشیرزاده، ۱۳۹۳: ۸۳). در نظام بین‌الملل به این دلیل که دغدغه اصلی تامین امنیت پابرجاست و همه باید به دنبال حفظ بقاء باشند. با تصویری که واقع‌گرایان از سیاست بین‌الملل و بطوراعم و امنیت بطورخاص ارائه می‌دهند ضروری است دولت‌ها برای بقای خود از یک ارتش قوی و بزرگ برخوردار شده، از وضعیت تدافعی خویش آگاهی داشته باشند و ضمن عنایت به منافع ملی خود به سایرین اعتماد نداشته باشند. مفاهیمی نظیر بازدارندگی، توانایی ضربه‌های اول و دوم و جزء اینها از واژگان امنیتی واقع‌گرایان را تشکیل می‌دهند. از آنجا که سیاست بین‌الملل در محیطی پویا مطرح می‌شود. دولت‌ها به تبع نیازهای داخلی، موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک و نیز تحت تاثیر ساختار و عملکرد نظام بین‌المللی جهت‌گیری‌های خاصی را برای تامین هدف و منافع ملی خویش بر می‌گزینند (قوم، ۱۳۹۰: ۳۲۱). اساساً امنیت و بقاء ارزش‌های پایه‌ای هستند و بنابراین آنان بایستی هدایتگر سیاست خارجی باشند. وضعیت خاورمیانه متأثر از ایده رئالیستی نسبت به مفهوم قدرت و امنیت است وجود تصلب مرزها، هویت‌ها و قومیت‌ها در منطقه حساس و استراتژیک خاورمیانه مولفه‌های رئالیسم، یعنی توازن قوا و بازدارندگی بهتر می‌تواند شرایط این منطقه را تحلیل و تبیین کند. در ادبیات روابط بین‌الملل «توازن قوا» نوعی بازدارندگی است و بازدارندگی محسوب می‌شود بازدارندگی به این مفهوم است که یک کشور، قدرت نظامی سیاسی خود را به حدی ارتقا دهد. که کشور دیگر با علم به آن، جرات حمله به کشور اول را به خود راه ندهد. بوفر می‌گوید بازدارندگی سیاست مسلط نظامی است در این سیاست سعی می‌شود تا تصور خسارت تحمل‌ناپذیر طرف مقابل را از ارتکاب به عمل باز دارد (هژبری، ۱۳۹۶). فضای پیرامونی خاورمیانه را می‌توان به نوعی ژئوپلیتیک تهدید علیه ماهیت وجودی و بقاء جمهوری اسلامی ایران دانست. استراتژی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تهدیدات مقابله به مثل فعال و استراتژیک است. در قالب تئوریک و عملیاتی جهت‌گیری جمهوری اسلامی ایران در قاب رئالیسم نئوکلاسیک تدافعی، با هدف حفظ موازنه قدرت از طریق ابزارهای راهبردی داخلی و منطقه‌ای است. ماهیت دکترین امنیتی جمهوری اسلامی ایران حفظ بازدارندگی در مقابل تهدیدات با هدف منصرف کردن دشمنان در معرض و شروع جنگ علیه کشور است. دکترین امنیتی جمهوری اسلامی ایران علیرغم داشتن ماهیت تدافعی بسیار فعال و پویا عمل می‌کند بنحویکه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران امنیتی کشور همگام با پیدایش تهدیدات اقدامات بازدارنده را ایجاد و عملیاتی

می‌کنند. حفظ امکان ضربه دوم مهمترین ابزار بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدات گسترده و متراکم سیاسی، اقتصادی و نظامی در حوزه راهبرد دفاعی-امنیتی کشور است. در مقاله حاضر به دنبال تبیین دکترین امنیتی-تدافعی جمهوری اسلامی ایران، ابعاد و اهداف ناشی از حفظ امکان ضربه دوم هستیم.

۱- کلیات پژوهش

۱-۱- ضرورت پژوهش

محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران با حجم وسیعی از تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای روبروست. جمهوری اسلامی ایران نیز با منطق واقع‌گرایی همواره مصمم به مقابله با این تهدیدات است به این دلیل مهم که امکان رسیدن تهدیدات به مرزهای فوری کشور وجود نداشته باشد. دشمنان متخاصم همواره سعی دارند تا منطق دفاعی-امنیتی کشورمان را بگونه تهاجمی در سطح منطقه و جهان معرفی کنند و علیه کشور در عرصه جهانی اجماعی تشکیل دهند که ماهیت رفتار ایران تهاجمی است. ضرورت تحقیق بر این مبناست، «ماهیت دکترین نظامی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران را که در قالب بازدارندگی-فعال در برابر تهدیدات و دارای اهداف تدافعی و پیشگیرانه است را به جامعه جهانی تشریح و تبیین کنیم. با تأکید بر اینکه هدف جمهوری اسلامی ایران از حفظ ضربه دوم اینست که بازیگران متخاصم به فکر تعرض و جنگ با کشور نباشند.

۴۹

۲-۱- شناسایی اهداف پژوهش

- هدف کلان: بررسی دکترین نظامی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران از منظر تدافعی و بازدارنده در مقابل تهدیدات علیه امنیت ملی کشور.
- هدف خرد اول: شناسایی جایگاه بازدارندگی و حفظ ضربه دوم در دکترین دفاعی-امنیتی ج.ا. ایران؛
- هدف خرد دوم: شناسایی ابزارها و نوع مقابله جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدات در حوزه پیرامونی.

۳-۱- بیان سوالات و فرضیات پژوهش

- سوال اصلی: دکترین دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران دارای چه ماهیت و مبنایی است؟
- سوال فرعی اول: بازدارندگی چه جایگاهی در دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران دارد؟
- سوال فرعی دوم: ارتقا قدرت نظامی و موشکی چه جایگاهی در حفظ بازدارندگی ج.ا. ایران ایفا دارد؟
- فرضیه اصلی مقاله: فرضیه بنیادین مقاله بر این مبناست که دکترین نظامی و امنیت جمهوری اسلامی ایران در راستای حفاظت از ماهیت وجودی و بقاء نظام مقدس جمهوری اسلامی دارای ماهیت تدافعی است.

در راستای این هدف مهم و راهبردی از روش دفاع فعال استراتژیک و حفظ توان ضربه دوم بهره‌گیری می‌کند. دکترین امنیتی ج.ا. ایران در مقابل تهدیدات پیرامون دارای ماهیت دفاعی و پیشگیرانه است تا امکان تعرض و جنگ توسط دشمنان علیه کشور سلب شود.

- فرضیه فرعی اول: اساس و بنیاد دکترین دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران بر محور بازدارندگی، مهار و پیشگیری از بروز تهدیدات است.

- فرضیه فرعی دوم: افزایش قدرت نظامی و برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران دارای ماهیت تدافعی با هدف جلوگیری از تخاصم و تجاوز دشمنان علیه امنیت ملی کشور دنبال می‌شود.

۲- چهارچوب نظری

۲-۱- رئالیسم نئوکلاسیک تدافعی

رئالیسم نئوکلاسیک تنوع وسیعی از مفاهیم رئالیست را بررسی می‌کند و دارای مولفه‌هایی برای مفهوم‌سازی رئالیسم کلاسیک است که متعاقباً موفقیت در اجرای مفاهیم رئالیسم نئوکلاسیک به موفقیت در سیاست خارجی منجر می‌شود. توانایی رئالیسم نئوکلاسیک در توسعه اصول سیاست خارجی نشان از یک مزیت عمده، عوامل و پروسه‌هایی است که نفوذ کشورها را در عرصه جهانی گسترش می‌دهد، را نشان می‌دهد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۶: ۲۵۴). به بیان گیدئون رز در سیاست جهانی «هسته مرکزی پیش‌بینی رئالیسم نئوکلاسیک این است که افزایش روابط بین کشورها منجر به نفوذ دائمی و قدرت در خارج می‌شود (Tudor, 2018). دولت‌ها بازیگران تدافعی هستند که به امنیت بعنوان هدف اصلی نگاه می‌نگرند و در پی کسب آن میزان از قدرت‌اند که بقاء آنها را تضمین کند. دولت‌ها بی‌اعتمادی را صرفاً عامل تشدید کننده ناامنی می‌دانند. رویکرد رئالیست تدافعی در دو گزینه کاهش احتمال جنگ و کاهش شکست دارای ظرفیت و توان مناسبی برای تحلیل چرایی رفتار سیاست خارجی است. در گزینه اول از طریق اتخاذ راهکارهای دفاعی و تلاش برای بروز ندادن رفتارهای تهاجمی سعی در اعتمادسازی امنیتی و کاهش نگرانی‌ها دارد. در گزینه دوم با مسلح کردن خود و ارتقا قابلیت دفاعی در صورت بروز جنگ احتمال شکست خود را کاهش می‌دهد (صادقی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱۱). واقع‌گرایان تدافعی نیز به رابطه میان آنارشی و استلزامات نظام بین‌الملل از یکسو و رفتار دولت‌ها از سوی دیگر توجه دارند اما این رابطه را پیچیده‌تر می‌بینند. فرض واقع‌گرایان تدافعی این است که آنارشی بین‌المللی کم و بیش «خوش‌خیم» است. به نظر تالیافرو واقع‌گرایان تدافعی مبتنی بر چهار مفروضه است: (۱) معضله امنیت: منظور از معضله امنیت شرایطی است که در آن تلاش یک دولت برای افزایش امنیت خود باعث کاهش امنیت دیگران می‌شود. به نظر واقع‌گرایان تدافعی، توسعه‌طلبی همیشه به

امنیت بیشتر منجر نمی‌شود. ۲) ساختار ظریف قدرت: به نظر واقع‌گرایان تدافعی تاثیر ساختار ظریف قدرت که متغیر سطح نظام نیست. و به معنای توزیع آن دسته از توانمندی‌های مادی است که دولت‌ها را قادر می‌سازد تا راهبردهای نظامی و دیپلماتیک خاصی را دنبال کنند. ۳) برداشت ذهنی رهبران: تاثیر ساختار ظریف قدرت و توانمندی‌های مادی بر رفتار دولت از طریق تصورات یا برداشتهای ذهنی رهبران ملی است. ۴) عرصه سیاست داخلی: به نظر واقع‌گرایان تدافعی استقلال دولت در برابر جامعه نقش اساسی در بسیج منابع دارد (مشیرزاده، پیشین: ۱۳۴-۱۳۳). رئالیسم تدافعی در واقع فرض می‌کند که در ماهیت آنارشیک بین‌الملل امنیت نایاب نیست و کماکان وجود دارد. دولت‌های ملی بطور تجربی می‌توانند آنرا یاد بگیرند و بفهمند. از منظر رئالیسم تدافعی دولت‌های عقلانی در جهان امنیت را دنبال می‌کنند تا از این طریق آرامش را کسب کنند. دولت‌ها معمولاً به تهدیداتی عکس‌العمل نشان می‌دهند که موازنه قدرت را به ضرر آنها تغییر دهد (Rose, 1998: 150-151).

۲-۲- اندیشه واقع‌گرایی و الزام حفظ موازنه‌سازی

نظریه توازن قدرت مناقشه برانگیزترین نظریه سیاست بین‌الملل است. توازن قدرت به منزله یک وضعیت یا نوعی شرایط، متضمن ترتیباتی عینی است که در آن، رضایت خاطر نسبتاً گسترده‌ای در رابطه با نحوه توزیع قدرت وجود دارد. رئالیسم سیاسی جایگاه ویژه‌ای در مطالعات روابط بین‌الملل باز کرد و موازنه قوا را در شکل علمی آن مطرح ساخت. این فرضیه که روابط بین‌الملل مبتنی بر منافع ملی است و با اعمال زور کسب می‌شود در کانون نظریه موازنه قوا دارد. سیاست قدرت متضمن باورهایی درباره سیاست بین‌الملل است که دولت‌ها ذاتاً در پی کسب هرچه بیشتر قدرت می‌باشند. که ناشی ماهیت آنارشیک جهانی است که در آن بسر می‌برند (بزرگمهری، ۱۳۹۱: ۹). ساختار نظام بین‌الملل آنارشیک و قیومت‌گریز است. لذا بازی قدرت بین کشورها در آن جاری است (سیف‌زاده، پیشین: ۱۰۸). حفظ و استفاده از قدرت، هسته اصلی فعالیت کشورهاست، سیاست بین‌الملل نیز سیاست قدرت است. امنیت ملی و بقای دولت هنجار مرکزی رهیافت واقع‌گرایی را ایفا می‌کنند. اساساً نظریه واقع‌گرایی روابط بین‌الملل نظریه بقاء است. امنیت و بقاء، ارزش‌های پایه‌ای هستند و بنابراین آنان باید هدایت‌گر سیاست خارجی باشند. واقع‌گرایی که از آن بعنوان مکتب اندیشه سیاست قدرت یاد می‌شود. دولت را بازیگر اصلی صحنه سیاست بین‌الملل می‌داند ماهیت رقابت بین کشورها بازی با حاصل جمع صفر است از آنجا که بقاء در یک محیط متخاصم پیش حصول به کلیه هدف‌های ملی تلقی می‌شود. خودیاری و اتکا به خود نوعی الزام و اجبار تحمیل می‌شود بر این اساس دفاع از خود بارزترین تجلی خودیاری است (قوام، پیشین: ۸۲-۷۹). محیطی که دولت‌ها در آن زندگی می‌کنند اساساً آنارشیک است و تعارض در این محیط را در بهترین حالت می‌توان در جهت کاهش احتمال جنگ اداره نمود و بهترین

راه حفظ برقراری صلح توازن قوا است. هر کشور به منظور دستیابی به استقلال کامل، تامین امنیت و یا تعقیب منافع ملی خود دائما برای جلوگیری از تسلط دیگران بر خود کوشش و تقلا می‌کند (سیف‌زاده، ۱۳۶۸: ۵۱).

۲-۳- جایگاه امنیت در رئالیسم نئوکلاسیک تدافعی

در رئالیسم تدافعی دغدغه امنیت اساسی‌ترین مساله است. نگاه رئالیست‌های تدافعی معطوف به امنیت است. رئالیست‌های تدافعی نیز به روابط میان آنارشی و استلزامات نظام بین‌الملل از یکسو و رفتار دولت‌ها از سوی دیگر توجه دارند. به اعتقاد رئالیست‌های تدافعی امنیت چندان کمیاب نیست و دولت‌ها در صورتی که تهدید علیه اینها وجود دارد واکنش نشان می‌دهد و این واکنش نیز اغلب در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است و تنها در صورتی که معضله امنیت خیلی جدی شود واکنش‌های سخت‌تری را به شکل بروز تعارضات رخ خواهد نمود. به عبارت دیگر دولت‌ها زمانی اقدام به گسترش نفوذ و افزایش قدرت خود می‌کنند که احساس ناامنی کنند بر این اساس حضور دولت در خارج از مرزهای ملی فقط در شرایط ناامنی صورت می‌گیرد بنابراین امنیت در نگاه تدافعی برابر است با برخورداری از قدرت کافی برای ایجاد موازنه تا جائیکه موازنه برقرار است امنیت نیز وجود دارد. اگر کشوری قصد برهم زدن امنیت و موازنه را داشته باشد کشورها باید جهت کسب امنیت اقدام به افزایش قدرت و دستیابی به موازنه جدید نمایند. به عبارت دیگر برداشت‌های دولت‌ها و ادراکات ذهنی آنها نقش پررنگی در شکل‌دهی به رفتارهایشان ایفا می‌کند. رئالیست‌های تدافعی‌ها نیز بر این باورند که مخاصمه در برخی شرایط اجتناب‌ناپذیر است زیرا دولت‌های توسعه‌طلبی وجود دارند که نظام جهانی را به چالش بکشند و نیز برخی از کشورها تنها در راستای تعقیب منافع ملی خود ممکن است درگیری با دیگر کشورها را اجتناب‌ناپذیر کنند. دولت‌ها در برابر آن دسته از دولت‌هایی دست به موازنه می‌زنند که تهدید فوری نسبت به موجودیت یا منافع آنها به حساب آیند. اگرچه رئالیست‌های تدافعی معتقدند که حوزه‌هایی از منافع مشترک وجود دارد ولی نگران عدم پابندی یا تقلب برخی دولت‌ها بویژه در حوزه سیاست امنیتی هستند (نوروزی، ۱۳۹۳).

۵۲

۲-۴- تسلط مفهوم سنتی امنیت ملی در رئالیسم کلاسیک و نئوکلاسیک

تفکر سنتی درباره امنیت در چهارچوب رهیافت مسلط واقع‌گرایی قرار دارد. مولفه‌های اصلی این رهیافت، «وجود تهدید نظامی، نیاز به واکنش سریع، محوریت دولت» است که در پارادایم واقع‌گرایی امنیت در اشکال سیاسی-نظامی به صورت حمایت از مرزها و حفظ تمامیت ارضی و ارزش‌های یک دولت در مقابل مقابله مخاطرات دول متخاصم تعریف می‌شود. تسلط تفکر امنیت کلاسیک در محور واقع‌گرایی قرار دارد (عسکری حصن و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۶-۸۷). رئالیست‌ها معتقدند قدرت و امنیت جزء ارزش‌های اصلی و مهم دولت محسوب می‌شود. قدرت و توازن براساس توانایی‌های نظامی و تلاش برای ایجاد امنیت ارزیابی می‌شود. نگاه

رنالیست‌ها به امنیت تقلیل‌گراست و محدود به تمرکز امنیت بر حوزه دولت-ملت است. امنیت ملی محافظت از دولت در مقابل تهدیدات خارجی تعریف می‌گردد. تهدیدات دارای ماهیت نظامی بوده و پاسخ نظامی را بر نمی‌تابد. هر دولتی باید بداند امکان حمله نظامی به کشورش وجود دارد از اینرو ابزار مقابله با تهاجم نظامی، داشتن قدرت نظامی مناسب است. بهترین روش در تأمین امنیت حفظ بازدارندگی میان دولت‌ها و شکل‌گیری موازنه قدرت است. به اعتقاد رنالیست‌ها مفهوم امنیت ثابت مانده و هیچ مبنای فلسفی برای مفهوم‌سازی مجدد امنیت در عصر اطلاعات فراهم نمی‌آید (وثوقی و شیخون، ۱۳۹۱: ۱۱۲). امنیت ملی به معنای فقدان تهدید در برابر منافع حیاتی ملت است. مهمترین تصمیمات در حوزه امنیت ملی عمدتاً به مباحث کلان دفاعی و استراتژیک باز می‌گردد. حفظ منافع حیاتی و ارزش‌های ملی در محدوده جغرافیایی کشور در قالب امنیت ملی و استراتژیک تعریف می‌شود (کلهر، ۱۳۸۳: ۲۷۰-۲۶۹).

۲-۵- تسلط رنالیسم و موازنه قدرت در حوزه راهبردی ایران در خاورمیانه

موازنه قدرت خصلت طبیعی نظام بین‌الملل است که از دیرباز در عرصه روابط دولت‌ها وجود داشته و بطور خودکار نظم بین‌الملل را حفظ کرده است. مکانیزم موازنه قدرت بدین صورت است که با از بین بردن وسوسه توسل به زور در میان بازیگران قدرتمند یا دولت ملی که از کارآمد بودن دیپلماسی ناامید شده‌اند تا از بروز جنگ جلوگیری نمایند، منطقه خاورمیانه یکی از مناطقی است که نه تنها قدرت‌های بزرگ در سطح کلان سعی کرده‌اند از طریق نفوذ و تاثیرگذاری بر کشورهای آن، موازنه قدرت را به ضرر رقیبان تغییر دهند بلکه خود کشورهای منطقه نیز در سطح خرد سعی کرده‌اند از بهم خوردن موازنه قوا به نفع کشورهای خاص جلوگیری کنند. تحلیل‌گران زیادی وجود دارند که معتقدند خاورمیانه منطقه مناسب برای تحلیل تئوری بدبینانه و سنتی در روابط بین‌الملل است. جوزف نای، کارآیی نظریه رنالیستی موازنه قدرت را در تحلیل روابط کشورهای خاورمیانه بیش از سایر تئوری‌ها می‌دانند. فضای سیاسی و امنیتی خاورمیانه عملاً بگونه‌ای است که نوعی بدبینی شدید در میان مقامات کشورها نسبت به اهداف یکدیگر بوجود آورده است لذا کوچکترین تحرکی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و مخصوصاً نظامی که مورد تأکید رنالیسم نیز هست باعث می‌شود تا اقدام متقابل سایر دولت‌ها را به همراه آورد (افتخاری و باقری دولت‌آبادی، ۱۳۸۹: ۳-۲). امنیت مطلق تنها زمانی برای یک دولت قابل دستیابی است که هیچ دولتی قادر به تهدید آن دولت نباشد. خاورمیانه منطقه‌ای که دارای ساختار چالش‌زاست واقع شدن در این منطقه سازوکار همکاری را بشدت ضعیف می‌کند و دولت‌ها جهت کسب اهداف خود هنوز جنگ را تنها و بهترین گزینه می‌دانند (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۳: ۲۰۹).

۳- نظم جدید منطقه‌ای و الزام پیگیری بازدارندگی در سیاست خارجی ایران

به هم پیوسته شدن مسائل نوظهور ژئوپلیتیکی و امنیتی جدید در منطقه چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته است. دفع چالش‌های امنیتی جدید و بهره‌گیری از فرصت‌های فراهم شده نیازمند درجه‌ای از حضور موثر جمهوری اسلامی ایران در مسائل سیاسی و امنیتی منطقه‌ای است. حضور بحران‌ها، جنگ‌ها و تنش‌ها در منطقه برای جمهوری اسلامی ایران پرهزینه و منبع بی‌ثباتی بوده است. نگاه ج.ا. ایران به افزایش حضور بیشتر در چهارچوب سیاست‌های تدافعی و با هدف بهره‌گیری از فرصت‌ها، در جهت پیشگیری از چالش‌ها و تهدیدهای جدید امنیتی در حال ظهور در منطقه است. در ایران سیاست دفاع فعال با هدف حفظ منافع و امنیت ملی از راه حضور موثر در منطقه تعبیر و پیگیری می‌شود (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۵). از نگاه نخبگان سیاسی-امنیتی ایران حضور منطقه‌ای کشور در قالب دفع مشکلات منطقه‌ای و برای امنیت نسبی ضروری است. اکنون بروز تهدیدات جدید برای امنیت ملی کشور، ظهور داعش، ائتلاف عربستان سعودی و اسرائیل و خروج آمریکا از برجام، باعث شده است تا استراتژی سیاست خارجی ایران به سمت بازدارندگی غلبه کند. بطور کلی استراتژی جمهوری اسلامی ایران از ایجاد و حفظ بازدارندگی برای ضرورت مقابله با تهدید و ایجاد امنیت پایدار است (برزگر، ۱۳۹۷: ۱۸۴-۱۸۶).

بازدارندگی سیاستی پیشگیرانه است که تحقق آن از دغدغه اصلی دولت‌هاست. جمهوری اسلامی ایران همواره در سیاست خارجی خود با تهدیدات استراتژیکی روبرو می‌باشد که به نوعی ناشی از متغیرهای پایدار سیستمی اعم از سیستم داخلی، منطقه و جهانی است که قدرت و بازدارندگی از عوامل اصلی رویارویی با تهدیدات و تبدیل آن به فرصت می‌باشد. بازدارندگی به مثابه مفهومی راهبردی هزینه‌هایی بسیار کمتر از دفاع در بر دارد که مشوق اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در اتخاذ آن است. طبیعی است که تامین امنیت بدون تولید قدرت نظامی و استراتژیک برای کشورها امکانپذیر نخواهد بود. دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در دفاع از ارزش‌های بنیادین جمهوری اسلامی ایران نقش برجسته ایفا می‌کند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با اهداف والا طراحی شده است که با افزایش بازدارندگی در عرصه سیاست خارجی امنیت و منافع ملی تحقق می‌یابد. جمهوری اسلامی ایران برای ارتقا بازدارندگی خود نیازمند افزایش قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی خواهد بود. بی‌شک مقاومت، انسجام و پایداری داخلی جامعه دشمنان را از تعدی به مرزهای کشور باز می‌دارد (طالبی، ۱۳۹۶). استراتژی بازدارندگی بصورت فعال از تبدیل تهدیدات بالفعل به بالقوه جلوگیری می‌کند و با هزینه‌ای به مراتب کمتر از دفاع امنیت ملی کشور را حفظ می‌کند. اصلی‌ترین هدف بازدارندگی جلوگیری از ایجاد جنگ است به همین دلیل بازدارندگی نقش بسیار مهمی در دکترین امنیتی جمهوری اسلامی ایران دارد.

حفظ موجودیت کشور امنیت ملی و وحدت ملی مفاهیم مختلفی به شمار می‌آیند و چیزی فراتر از بقاء کشور هستند. موقعیت جغرافیای بحران خیز، بی‌ثبات و ناامن جمهوری اسلامی ایران سبب شده است که رفتار دولتمردان در عرصه بین‌الملل و خارجی به دلیل جغرافیای سیاسی ویژه کشور به سمت واقع‌گرایی سوق پیدا کند (زارعی و پیلتن، ۱۳۹۷: ۴۹۲). جمهوری اسلامی ایران کشوری است که با ملاحظات صرفاً ملی مربوط به سرزمین و یا فراملی عمدتاً مربوط به جهان اسلام روبروست که در این رابطه هم منطق دولت-ملت و هم منطق دین یا به عبارتی ایدئولوژی حائز اهمیت است. تحولات گوناگون در سطح نظام بین‌الملل و تنوع تهدیدات در محیط تعاملی خود و همچنین گوناگونی تهدید بویژه تهدیدات نامتقارن نوعی استراتژی را الزامی می‌سازد که سه اصل حکمت، عزت و مصلحت را سرلوحه خود قرار دهد به همین دلیل سیاست خارجی ایران امری بسیار دقیق و پیچیده است (دهشیری و غفوری، ۱۳۹۴: ۱۷۶). ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه همواره بسترساز تهدیدات گسترده و متراکم علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. علیرغم وجود تهدیدات محیطی و منطقه‌ای در حوزه راهبردی کشور تهدیدات فرمانطقه‌ای نیز وجود دارند. نخبگان سیاسی-امنیتی کشور اقدامات استراتژیک، هوشمندانه و واقع‌گرایانه را با هدف مقابله با حجم وسیعی از تهدیدات موجود اتخاذ کرده‌اند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همسو با حفظ امنیت ملی و دفع تهدیدات امنیتی طراحی شده است. مجموعه عوامل مزبور به شکل‌گیری نوعی سیاست خارجی، تدافعی، پیچیده و امنیت‌محور ۵۵

برمبنای امکان حفظ توانمندی پاسخ گسترده نسبت به تهدیدات علیه امنیت ملی کشور منجر شده است. ایران در چهارچوب دفاعی خود مشغول رسیدگی به حفظ قدرت بازدارندگی است (شمخانی، ۱۳۹۴). دیدگاه غالب در میان نخبگان حوزه سیاستگذاری این است که راه حفظ امنیت پایدار از طریق پیشگیری از تهدید و تقویت جایگاه دولت‌های دوست با هدف پر کردن خلاءهای امنیتی حاصل از وضعیت بحران در منطقه یا به عبارتی گسترش حوزه اثربخشی بویژه در محیط پیرامونی است (برزگر، پیشین: ۱۸۷). هدف اصلی از تعریف گسترده‌تر از حلقه‌های امنیتی خود پیوند زدن امنیت خود به امنیت منطقه با هدف رفع تهدیدهای امنیتی در محیط فوری امنیتی این کشور است. بعبارت دیگر تعریف از امنیت ایران در قالب امنیت به هم وابسته با منطقه در قالب رویکرد تدافعی است یعنی امنیت ایران مساوی با امنیت منطقه و ناامنی ایران مساوی با ناامنی برای منطقه است. در این چهارچوب نیز اهداف سیاست خارجی ایران در منطقه راهبردی و عمل‌گرایانه است. اتحاد و ائتلاف جمهوری اسلامی ایران با حکومت‌های شیعی در منطقه با هدف رفع تهدیدات امنیتی و مبتنی بر رویکرد واقع‌گرایانه و تدافعی است. اهداف سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در منطقه دارای ماهیت تدافعی و عمل‌گرایانه است. این اهداف در چهارچوب دفاع فعال و از راه حضور موثر در مسائل منطقه‌ای واکنش به رفع تهدیدات امنیتی است. در راهبرد ایران تهدید امنیتی برای کشور به نوعی تهدید

امنیتی برای منطقه در نظر گرفته می‌شود از این لحاظ بین شدت تهدید خارجی و حضور ایران در مسائل منطقه‌ای و حلقه‌های فوری و غیرفوری ایران ارتباط مستقیمی وجود دارد. در چهارچوب پیشگیری از تهدیدات امنیتی سیاست خارجی ایران سعی دارد با حضور فعال و مشارکت منطقه‌ای از شکل‌گیری ائتلاف‌ها و حکومت‌های غیردوست جلوگیری کند. سیاست پیشگیرانه و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب رئالیست تدافعی در نظر گرفته می‌شود (برزگر، پیشین: ۱۴۵-۱۴۲). اگر خواهان ایرانی هستیم که به یک قدرت سیاسی، اقتصادی و قدرت بازدارندگی فعال تبدیل شود باید تلاش کنیم کشور را به جایگاهی که زبینه آن است برسانیم. مقاومت و افزایش قدرت بازدارنده دفاعی رمز امنیت کشور است و بعنوان راهبرد اساسی دنبال می‌شود. ما قدرت دفاعی را تا جایی ادامه خواهیم داد که هیچکس کمترین تصویری برای تعرض به جغرافیای اسلام نداشته باشد (ابوترابی فرد، ۱۳۹۷).

۴- ماهیت دکترین امنیتی-تدافعی جمهوری اسلامی ایران

تقریباً هر سازمان نظامی دکترین خاص خودش را دارد. برخی از دکترین‌های نظامی از راه آموزش انتقال پیدا می‌کنند. دکترین نظامی بهترین افکار و اندیشه موجود مربوط به علم نظامی است. امروزه قدرت نظامی یکی از اصلی‌ترین ابزارهای در دست کشورهاست تا از طریق آن بتوانند به اهداف خود دست پیدا کنند. عدم برخورداری از قدرت لازم و کافی حتی دستیابی به اهداف ملی را غیرممکن می‌سازد. سیاست‌های نظامی-دفاعی و امنیتی از مولفه‌های سه‌گانه سیاست‌های کلی کشور بوده و به خط و مشی‌هایی اطلاق می‌شود که به منظور خنثی‌سازی تهدیدات، خطرات و حفظ امنیت ملی یک کشور ایفای نقش می‌نماید و ارتباط تنگاتنگی بین آنها وجود دارد. سیاست‌های دفاعی و امنیتی پشتوانه اثرگذار بر سیاست خارجی کشورها محسوب می‌گردد. در رفع تهدیدات ملی و بین‌المللی مورد استفاده و اهمیت بالایی دارد. باتوجه به حساسیت و اهمیت امنیت ملی برای کشور تدوین سیاست‌های نظامی-دفاعی و امنیتی از ارجحیت و ویژگی‌های خاص برخوردار است. باتوجه به هجمه تهدیدات علیه نظام جمهوری اسلامی ایران تقویت قدرت نظامی-دفاعی از مهمترین نیازهای کشور در شرایط کنونی محسوب می‌گردد. دکترین نظامی روش‌ها، مقتضیات، موقعیت و موجبات استفاده از نیرو را تجویز و رهبران نظامی و سیاسی را هدایت می‌کند. وظیفه اصلی دکترین نظامی افزایش کاربرد قوا و مقدرات نظامی یک کشور در پشتیبانی و حمایت از آرمان‌ها، اهداف و منافع ملی است. دکترین نظامی بالاترین و کلان‌ترین راهبردها و قواعد سطوح عملیاتی و نیز شگردها شکل گرفته و با تغییر آنها دستخوش تغییر می‌شود (دانش آشتیانی و رستمی، ۱۳۹۵: ۸-۱۰). ماهیت دکترین امنیتی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران تدافعی و براساس اقدامات پیشگیرانه است به بیانی دیگر جمهوری اسلامی ایران با انجام اقدامات

بازدارنده و تدافعی به دنبال جلوگیری از بروز جنگ و تعرض به کشور توسط دشمنان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای گام بر می‌دارد.

رهبر انقلاب تعیین کننده راهبرد و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌شوند. لذا تمامی کسانی که در قوای سه‌گانه مشغول هستند باید از نگاه ایشان مطلع باشند و براساس این نگاه سیاست خارجی را ریل‌گذاری کنند. مواضع رهبر انقلاب ترسیم کننده دکترین سیاست خارجی و دکترین دفاعی-امنیتی کشورمان محسوب می‌شود (منصوری آرانی، ۱۳۹۸). رهبر انقلاب در اجتماع عظیم و پرشور قشرهای مختلف ملت در حرم امام خمینی؛ راز تداوم جاودانه جاذبه بی‌نظیر امام راحل را، مختصات شخصیتی و موهبت‌های خدادای ایشان خواندند و با تشریح ابعاد و اجزا «راه و منطق مقاومت و ایستادگی» بعنوان درس بزرگ امام برای ملت و مسئولان تأکید کردند: این فکر و راه پرجاذبه هر روز بیش از پیش ملت‌ها را به خود جلب می‌کند و ملت ایران و مسئولان نظام نیز این راه روشن الهی را تا رسیدن به نقطه بازدارندگی در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی ادامه خواهند داد. آیت‌اله خامنه‌ای، پایه‌گذاری فکر مقاومت، حرکت هوشمندانه و مقتدرانه در این راه و گم نکردن هدف، را درس و یادگار بزرگ امام خمینی برای ملت و مسئولان خواندند و خاطرنشان کردند. ایشان افزودند تسلیم در برابر دشمن، موجب پیشروی او می‌شود، اما اگر در مقابل زیاده‌خواهی و باج‌خواهی دشمن مقاومت شود. پیشروی او متوقف خواهد شد بنابراین از این زاویه نیز، ۵۷ صرفه با مقاومت است. هزینه مقاومت و ایستادگی هزینه دارد اما هزینه تسلیم شدن به مراتب بیشتر از هزینه مقاومت است. ایستادگی و مقاومت مردم بزرگترین نقطه قوت کشور است و نشان می‌دهد می‌توان با همان منطق امام، همچنان در میدان حاضر شد. ایشان هدف از مقاومت را رسیدن به نقطه بازدارندگی در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی برشمردند و افزودند باید به نقطه‌ای برسیم که دشمن را از تعرض به ملت ایران در همه زمینه‌ها منصرف کنیم. رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند در بخش نظامی تا حدود زیادی به این بازدارندگی و تثبیت دست یافته‌ایم و علت اسرار دشمنان بر مسائل دفاعی و موشکی نیز محروم کردن کشور و ملت از قدرت بازدارندگی است که هرگز نخواهند توانست به این هدف دست پیدا کنند (سخنرانی رهبر انقلاب در سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۸).

۴-۱- منطق افزایش قدرت در دکترین دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران

راهبرد امنیتی و تسلیحاتی هر کشور واکنشی به تهدیدهای برخاسته از محیط امنیتی و هدف‌های اساسی آن کشور است. بحران‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای، تضادهای ژئوپلیتیکی جدیدی را ایجاد کرده است. هدف سیاست خارجی و راهبرد تسلیحاتی ایران مبتنی بر دو هدف عمده «ایجاد امنیت (ملی و منطقه‌ای)» و «توسعه و پیشرفت» بوده است. از سوی دیگر تنظیم سیاست خارجی و راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی

ایران همواره تحت تاثیر دو عامل واقعیت‌های ژئوپلیتیک و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک بوده است. عنصر ژئوپلیتیک همواره عنصر ایدئولوژیک را در جهت‌دهی سیاست امنیتی و تسلیحاتی ایران در منطقه، تحت تاثیر قرار داده است. جمهوری اسلامی ایران در پی تحریم تسلیحاتی و تداوم تلاش‌های آمریکا برای منزوی کردن کشور، جمهوری اسلامی ایران متناسب با مقاصد دفاعی و نه تهاجمی جهت‌گیری خود را به سمت خودکفایی و افزایش تجهیزات نظامی سوق داده است. تهدیدات مستقیم منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همواره مخاطره‌های امنیتی کشورمان را افزایش و مطلوبیت‌های منطقه‌ای را کاهش داده است. با این حال رهنامه «دکترین» دفاعی کشورمان متکی بر دفاع غیرتهاجمی است (عسگرخانی و حق‌شناس، ۱۳۹۰: ۸۶). رهبر انقلاب آمادگی‌های لازم و هوشیاری نیروهای مسلح در رصد کردن تحرکات دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را یادآور می‌شود و خواهان افزایش قدرت و توان دفاعی آنان برای برای تامین امنیت در بازدارندگی از تهاجم دشمنان است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند نیروهای مسلح باید کاری کنند که هیچ دشمنی نتواند در استقلال و استحکام یکپارچگی و تمامیت ارضی ما طمع کند. ما همیشه آمادگی خود را برای مقابله با متجاوز را همیشه حفظ می‌کنیم. همین حالا هم آماده هستیم ما قصد تجاوز به هیچکس را نداشتیم باز هم نداریم. اما آماده‌ایم که برای مقابله با تجاوز هرکس که باشد اقدام کنیم (قنبری و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۰۸).

۴-۲- امنیت پایدار و قدرت بازدارندگی ۵۸

باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با بیان اینکه پژوهش‌های صنعتی بویژه در حوزه صنایع دفاعی بعنوان یکی از مولفه‌های کسب قدرت می‌باشد و طرح‌های تحقیقاتی دفاعی بعنوان یک عامل بازدارنده قوی، لحن کشورهای قدرتمند را تغییر می‌دهد. و این موضوع نشان دهنده اهمیت تحقیقات بعنوان یک اصل قدرت‌آفرین است. وی با اشاره به موقعیت حساس جمهوری اسلامی ایران و دامنه تهدیدات ۴۰ ساله علیه جمهوری اسلامی بیان کرد دشمنان نظام اسلامی همواره با تغییر تاکتیک و به روز شدن از هیچ کوششی برای ضربه به ایران اسلامی کوتاه نیامدند و بر این اساس امنیت پایدار ما در گرو افزایش قدرت بازدارندگی است و همواره باید مبتنی بر تهدیدات و نیازهای دفاعی کشورمان به روز شده و تامین قدرت کنیم. وی با بیان اینکه بازدارندگی یک موضوع پویا و رشد یابنده است. افزود ما با تولید دانش، تقویت و توسعه بازدارندگی نو شونده، خلاقانه و پیش رونده با تکیه بر ظرفیت‌های علمی برآمده از داخل بتوانیم امنیت ملی خود را تامین و حتی فکر گزند به جمهوری اسلامی ایران توسط دشمنان انقلاب اسلامی را از آنها سلب کنیم. پایداری امنیت کشور در منطقه تنها با حرکت‌های خلاقانه در عرصه‌های دفاعی دوام پیدا می‌کند. ایشان افزودند توانایی‌ها و امکانات دفاعی کشور را مهمترین مطالبات در حوزه تحقیقات صنعتی در سطح نیروهای مسلح عنوان کردند

که محققان عرصه دفاعی باید نقاط قوت جدیدی خلق کنند تا به همین نسبت بتوانند تولید قدرت کرده و اقتدار کشور را ارتقا دهند (باقری، ۱۳۹۷).

۳-۴- بازدارندگی و افزایش قدرت نظامی

یکی از ابعاد مهم بازدارندگی تقویت قدرت نظامی است. بگونه‌ای که در آن، طرف مقابل از هرگونه حمله نظامی به کشور بازداشته می‌شود. جمهوری اسلامی ایران با پیشبرد در ابعاد مختلف نظامی توانسته است سطح قدرت دفاعی کشور را افزایش دهد و قدرت بازدارندگی بالایی را برای کشور به وجود آورد. این وضعیت فرصت مناسبی را برای تاثیرگذاری بر توازن قدرت منطقه‌ای از طریق دیپلماسی فعال فراهم ساخته است و می‌تواند تهدیدهای دشمن را مهار نموده یا کاهش دهد (ستوده آرانی و ترکی، ۱۳۹۴: ۱۶۰-۱۵۹). باتوجه به حجم گسترده و شدید تهدیدات امنیتی علیه کشورمان در نزدیکی مرزهای فوری، داشتن قدرت نظامی قوی و بروز نقش مهمی در راستای ارتقا امنیت ملی کشور و بازدارندگی ایفا می‌کند. هدف نخبگان سیاسی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران از افزایش قدرت نظامی کشور در راستای عدم تعرض توسط دشمنان و تحمیل جنگ دیگری علیه کشور است. و ماهیت صرفاً تدافعی و پیشگیرانه دارد. باتوجه به وجود معمای امنیتی در منطقه غرب آسیا بخصوص خاورمیانه و نیز وجود حجم انبوهی از تسلیحات کشتار جمعی در دست کشورهای متخاصم، استراتژی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای دستیابی و ارتقا تکنولوژی بومی و داخلی است. ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل و عدم عضویت جمهوری اسلامی ایران در اتحادها و ائتلاف‌های بین‌المللی ضرورت نگاه خودیاری-خودتامینی و توجه به تسلیحات ساخت داخل را در تفکر تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان سیاسی-امنیتی کشور غالب کرده است.

۵- الزام حضور فرامرزی، حفظ امنیت و موازنه‌سازی

منطق امنیت در کانتکست ژئوپلیتیک، به یک کشور با موقعیت حساس دیکته می‌کند که میان حوزه اقتدار ملی با پتانسیل تهدیدات ممکن و متصور تعادل ایجاد کند. ترک مرزهای امنیت ملی در افق تاثیرگذاری ژئواستراتژیک به معنای پذیرش قطعی تهدید است. ما در منطقه و زیرسیستم بلافصل امنیتی تریتوری خود حق بیشتری برای حضور و ایجاد موازنه قوا داریم. اگر منطق برتری موقعیت ژئوپلیتیک ایران را نسبت به مناطق پیرامون خود بپذیریم، ضرورت حفظ تعادل امنیتی را نیز لاجرم باید بپذیریم. حتی بدون چنین معادله‌ای، بروز نگرانی کشورهای پیرامون ایران، از افزایش سطح توان امنیتی و دفاعی ما، یا از افزایش قدرت و ظرفیت حضور و نفوذ ما، در اقصی نقاط منطقه مشترک، قابل درک است. چنین نگرانی‌هایی با روش‌های روانی، اقتصادی، اجتماعی و در نهایت سیاسی و امنیتی قابل درک است. کشوری در مرتبه جمهوری اسلامی

ایران نمی‌تواند از ضروریات ایجاد معادله امنیتی در محیط راهبردی خود و پیرامون به تناسب سطح متوسط تهدیدات ممکن، صرف‌نظر کند. ایجاد محورهای تعامل سیاسی-امنیتی در افق تهدیدات متصور و با سرزمین‌های سوق‌الجیشی از کم‌هزینه‌ترین روش‌های پدافند امنیتی در دوردست محسوب می‌شود که در موقع مقتضی به توان آفندی قابل ارتقاء هست. حضور جمهوری اسلامی ایران در اقصی‌نقاط امنیتی منطقه و تعامل سیاسی، امنیتی، فنی، نظامی و حتی دفاعی با واحدهای سیاسی مستعد با هدف پایداری و ثبات امنیتی در منطقه پراشوب غرب آسیا و شمال آفریقا تلاش برای برقراری حد معینی از موازنه قدرت و امنیت به تناسب سطح متوسط طیف تهدیدات علیه منطقه و ایران، لازمه ثبات‌سازی و برقراری موازنه امنیتی است. تکامل زنجیره قدرت تعامل گسترده منطقه‌ای و حتی بین‌المللی، از طریق بسط حوزه اقتدار ضمن حفظ مدیریت مدبرانه، بلاشک ضرورت امنیتی ملی جمهوری اسلامی ایران است. این نسخه می‌تواند بخش اعظم آسیب‌ها را به نقطه قوت ما در تعاملات منطقه‌ای و فراتر از تنش‌زا مجبور به ترک موضع نفوذ و اثرگذاری خویش و اضمحلال عنصر ضروری و موازنه‌ساز «قدرت تقابلی‌سازی» باشیم (اکبری، ۱۳۹۵).

۵-۱- بیداری اسلامی و الزام موازنه‌سازی جدید جمهوری اسلامی ایران

ماهیت رقابتی و پر تحول بیداری اسلامی بگونه‌ای است که همه بازیگران اصلی منطقه سعی دارند نظم جدید را براساس منافع و امنیت ملی خود تعریف نمایند. جمهوری اسلامی ایران نیز در نقش یکی از دولت‌های مهم منطقه‌ای و دارای نگرانی‌های امنیتی از این امر مستثنی نیست. موضع کشورمان این است که در سطح منطقه باید مدافع نسل جدیدی از نخبگان در ساختارهای سیاسی این کشورها بود که دیدگاه غیردوستانه علیه کشورمان نداشته و به راحتی وارد ائتلافی‌های امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران نشوند (نجات، ۱۳۹۳: ۷۵). تحولات اخیر در خاورمیانه را می‌توان بعنوان محور اصلی تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای دانست هر تحول منطقه‌ای می‌تواند بر چگونگی توازن قدرت بین کشورهای خلیج فارس و خاورمیانه تاثیر بگذارد. از اینرو هدف عربستان سعودی و سایر بازیگران منطقه‌ای را باید در کاهش نفوذ ایران دانست. به دلیل آنکه ایران تلاش می‌کند نفوذ خود را گسترش دهد بازیگران منطقه‌ای به دنبال راهبرد محدودسازی قدرت ایران هستند. موج تحولات بیداری اسلامی بسیار سریع بود بنحویکه بسیاری از بازیگران دچار نوعی ابهام استراتژیک در تصمیم‌گیری شدند. روند تخریب‌کننده محور غربی-عربی-عبری در تحولات بیداری اسلامی در راستای ترویج تروریسم و ایجاد خلا در حکومت‌های متحد جمهوری اسلامی «عراق، سوریه و ...» باعث شد تا جمهوری اسلامی ایران ضمن رصد دائمی این تحولات، حضور فعال و استراتژیک خود را عملیاتی کند. به این دلیل که تمام گروه‌های تروریستی فعال در منطقه خود را دشمن جمهوری اسلامی ایران می‌دانند و روش حذف فیزیکی و ترور را نسبت به شیعیان دنبال می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران مانع از سقوط متحدان راهبردی

خود در منطقه شده است و اجازه نداده تا تغییر موازنه قدرت به ضرر و زیان منافع ملی کشور ایجاد شود. جمهوری ایران با حضور فعال و استراتژیک در حوزه راهبردی و امنیتی کشور و ترمیم‌سازی حاکمیتی متحدان اجازه نداد تا موازنه قدرت به ضرر کشور رقم بخورد. سیاست منطقه‌ای ج.ا. ایران دارای ماهیت تدافعی و بازدارنده و در مقابل سیاست‌های دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارای ماهیت تهاجمی و ضدامنیتی علیه کشور است.

منطق استراتژیک حضور منطقه‌ای ایران دفع تهدیدات متعارف و غیرمتعارف بطور همزمان است. تهدیدات متعارف بطور سنتی به تهدید آمریکا، اسرائیل و بحث بازدارندگی مربوط می‌شود. تهدیدات غیرمتعارف هم مربوط به تروریسم داعش و رشد افراط‌گرایی است. که تهدیدی مستقیم برای ثبات ایران است و اکنون در سیاست داخلی و افکار عمومی کشور بسیار جدی است. اهمیت موضوع وقتی بیشتر و پیچیده‌تر می‌شود که دریابیم از نگاه سیاستمداران ایران ارتباطی بین دو تهدید متعارف و غیرمتعارف وجود دارد و دست‌هایی پنهانی در پیدایش و تقویت گروه‌های تروریستی به بهای امنیت و منافع ایران نقش دارند. بر این مبنا ایران یک استراتژی «مهار چندجانبه با تمرکز بر سیاست «دفاع پیشگیرانه» برای دفع این تهدیدات پیش گرفته است. حس تهدید از منطقه در نگاه ایران بسیار قوی است. و از نگاه ایران تهدیدات همیشه از منطقه می‌آیند.

استراتژی مهار چندجانبه ایران دو اصل دارد. نخست، تکیه بر منابع مستقل ملی و بهره‌برداری از موقعیت ۶۱ ژئوپلیتیک برای دفع تهدید و ایفای نقش مناسب و دوم، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای برای جلوگیری از حضور آمریکا در منطقه جمهوری اسلامی ایران از بی‌ثباتی منطقه خوشحال نیست و احساس تهدید می‌کند (برزگر، ۱۳۹۶).

درک و شناخت شرایط و مقتضیات تصمیم‌گیری توسط دولت‌ها و واحدهای مربوط به آن از ضروری‌ترین کارهای دیپلماسی موفق به شمار می‌رود (قوام، ۱۳۹۲: ۳۷). دیپلماسی فعال مهمترین درگاه ارتباطی یک ملت با جهان است جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهایی است که بازدارندگی را به بهترین شکل در این سال‌ها نشان داده است. یکی از اقدامات دشمن برای مقابله با کشورها زمینه‌سازی و همراهی سایر کشورهای خودی است که بوسیله رسانه‌ها سعی به همراهی افکار عمومی می‌کنند. دیپلماسی فعال دفاعی می‌تواند بسیاری از اقدامات روانی و جوسازی دشمن را به شکست بکشاند. دیپلماسی دفاعی بعنوان ابزاری نرم برای گسترش نسبیت امنیت دفاعی است. یکی از مهمترین حوزه‌های راهبرد دفاعی هر کشوری را دیپلماسی دفاعی بعنوان ابزار حصول حداکثری منافع ملی تشکیل می‌دهد. ج.ا. ایران در راهبرد دفاعی خود در حوزه خلع سلاح به دنبال توازن‌سازی در سطح تعهدات و امتیازات است. در حوزه دفاعی محورهایی چون مقابله به مثل، موثر در برابر تهدیدات، ارتقا توان آمادگی دفاعی نیروهای مسلح در جهت بازدارندگی و اتخاذ دیپلماسی

فعال به چشم می‌خورد. یکی از مهمترین برنامه‌های مورد بحث در حوزه دیپلماسی دفاعی کشور تدوین سیاست مناسب برای حصول منافع حداکثری و در مطابقت با راهبرد دفاعی کشور لازم و ضروری است. دیپلماسی دفاعی کشور امنیت دفاعی کشور را فراهم می‌آورد (ذولفقاری و خسروی، ۱۳۹۵: ۱۱۷-۱۱۴). دیپلماسی دفاعی امنیتی جمهوری اسلامی ایران از لحاظ رویکرد و کارکرد موثر آن به شدت مورد توجه تصمیم‌سازان کشور قرار گرفته است. دیپلماسی دفاعی امنیتی ج.ا. ایران از لحاظ پیشگیری در تهدیدات پیش‌رو می‌تواند در ایجاد و اطمینان متقابل میان کشورها نقش اساسی ایفا کند. دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران کمک زیادی در راستای رفع سوء برداشت دیگر کشور نسبت به نقش و عملکرد کشور ایفا می‌کند. ماهیت اقدامات نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در حوزه تهدیدزای پیرامونی کاملاً تدافعی است با هدف مهار تهدیدات علیه امنیت ملی کشور و ایجاد بازدارندگی فعال در مقابل این تهدیدات است.

۵-۲- نقش بازدارندگی فعال در حفظ ثبات استراتژیک منطقه‌ای

نگاه ایران به ثبات استراتژیک در منطقه تا حد زیادی تحت تاثیر دو مفهوم «مهار» و «بازدارندگی تهدید» بوده است. نخست، مفهوم مهار تهدیدات در نگاه ایران بیشتر یک سیاست پویا با قابلیت سازگاری با محیط و فضای سیاسی است. و ایران با تکیه بر توسعه یک استراتژی سیاسی-امنیتی و ادغام اقتصادی-فرهنگی با دولت‌ها و گروه‌های سیاسی دوست در منطقه سعی داشته تا از تهدیدات احتمالی پیشگیری کند. بر همین مبنا، مفهوم بازدارندگی بیشتر با جنبه نظامی متعارف و بخصوص تقویت قابلیت‌های سیستم موشکی کشور از یکسو و آمادگی کامل برای جنگ‌های نامتقارن و بسیج نیروها در شرایط نامنی و تهدید ارتباط داشته باشد. موضوع بازدارندگی در روند زمان به مفهوم پیشگیری از تهدید در منطقه ارتباط یافته و بگونه‌ای در ادبیات نگاه استراتژیک ایران در سال‌های اخیر تکامل یافته است. این دو مفهوم به نوعی با عناصر سیاسی و نظامی در نگاه ایران به ثبات استراتژیک نقش داشته‌اند. جمهوری اسلامی ایران اعتقاد داشته است که افزایش نقش سیاسی در منطقه و بکارگیری یک سیاست فعال قادر به پیشگیری از تهدیدات علیه امنیت ملی خواهد بود. همزمان تقویت نیروی متعارف بازدارنده ج.ا. ایران از جنبه نظامی به توسعه این استراتژی کمک می‌کند. حاصل این نگاه به ثبات استراتژیک شکل‌گیری استراتژی «بازدارندگی تدافعی» در دکترین امنیتی جمهوری اسلامی ایران است که ترکیبی از عناصر سیاسی و نظامی است. ثبات در منطقه همواره از دغدغه‌های مهم نخبگان سیاسی-امنیتی ج.ا. ایران بوده است. با توجه به شرایط بسیار پرآشوب و تنش‌زا در منطقه غرب آسیا و محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران که به نوعی ساخته بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. جمهوری اسلامی ایران از طریق افزایش قدرت نظامی با ماهیت تدافعی و برابر با تهدیدات پیش‌رو با بهره‌گیری از دو مولفه مهار و بازدارندگی ضمن ایجاد بازدارندگی در مقابل این تهدیدات به دنبال ایجاد و حفظ ثبات

استراتژیک در منطقه است. با توجه به تهدیدات و شرایط پیچیده منطقه منفعل بودن منجر به تبدیل شدن تهدیدات بالقوه به بالفعل می‌شود بر همین اساس رویکرد هوشمندانه جمهوری اسلامی ایران در حفظ ثبات استراتژیک منطقه‌ای با تأکید بر الگوی مهار و بازدارندگی فعال در مقابل تهدیدات است (همان، ۱۱۹-۱۱۷).

۶- راهبرد دفاعی-تدافعی و حضور منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

ضرورت‌های امنیت ملی ایجاب می‌کند، جمهوری اسلامی ایران با ادراک دقیق محیط ژئوپلیتیکی پیرامونی خود و برآورد استراتژیک آن نسبت به تدوین سیاست دفاعی کشور اقدام و مسائل راهبرد دفاعی-امنیتی خود را براساس ارزیابی‌های محیطی تبیین نماید. از اینرو شناخت عوامل و عناصر ژئوپلیتیکی محیط پیرامونی کشور و برآورد استراتژیک آن به منظور تدوین سیاست دفاعی کشور بسیار ضروری و حائز اهمیت است (سلطانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷). برنامه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران از شکل‌گیری یک دولت تروریستی و البته بزرگترین و تنها دولت تروریستی در ۲۰ کیلومتری مرزهای کشور جلوگیری کرد. برنامه منطقه‌ای ایران جنبه‌ای کاملاً راهبردی دارد. ایران با طراحی و اجرای موثر این برنامه موفق شد سیستم امنیتی-نظامی خود را با واقعیات منطقه‌ای وفق دهد. و یک سیستم امنیتی واقع‌گرایانه برای تامین امنیت خود در میان منطقه نابسامان و در هم ریخته خاورمیانه اجرایی کند. که تا به امروز با ضریب بسیار بالایی در تامین امنیت ایران موفق بوده است. جمهوری اسلامی ایران با تحولات منطقه خاورمیانه کاملاً واقع‌بینانه برخورد می‌کند و با ایجاد عمق استراتژیک دفاع را جایی بسیار دورتر از مرزهای اصلی تعریف می‌کند. حضور فعال جمهوری اسلامی ایران در حمایت از سوریه و عراق و تلاش برای نابودسازی مسلحین تکفیری در این کشورها، افزایش امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران را در پی داشته است. چراکه ناامن ساختن محیط داخلی کشور ایران پس از ناامن‌سازی محیط پیرامونی آن یکی از اهداف گروه‌های تکفیری در سوریه و عراق می‌باشد. نبرد با گروه‌های تروریستی در خارج از مرزهای ج. ا. ایران به ویژه در عراق و سوریه سبب خواهد شد تا توانایی اقدام علیه کشور را نداشته باشد. رهبران جمهوری اسلامی ایران و در راس آنها رهبر انقلاب همواره تأکید کردند جمهوری اسلامی ایران در سوریه اهداف راهبردی دارد. ناامنی در غرب کشور می‌توانست با افزایش فشارهای از مرزهای شرقی همراه شود و در این شرایط احتمالاً نفوذ، عوامل تروریستی به داخل کشور بسیار بالا بود. لذا از بین بردن داعش و دیگر گروهک‌های تروریستی در محل پیدایش آنها یعنی سوریه و مناطق غربی عراق، امکان تحقق چنین سناریویی را به صفر می‌رساند. بر این اساس سوریه، عمق استراتژیک ایران محسوب می‌شود که برطبق اصول دفاعی و امنیتی، توجه به این کشور و جلوگیری از نفوذ غرب و تحقق نیات آنها در اولویت امنیت کشورمان قرار می‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران دمشق را خاکریز نخست جبهه

مقاومت اسلامی قلمداد می‌کند. الان مقاومت در سراسر منطقه آماده است و بعنوان خط مقدم پاسخ به جنگ احتمالی علیه ایران عمل می‌کند. جمهوری اسلامی ایران امروز خط دوم جبهه است نه خط اول آن، بنابراین امروز می‌توان فهمید منافع ملی ما از طریق حضور در منطقه چطور تامین شده و بازدارندگی فراملی چطور شکل گرفته است (گنجی، ۱۳۹۸). برای تامین امنیت جمهوری اسلامی ایران بطور جدی باید به ترویج نزدیکتر کردن دیدگاه‌های خود و کشورهای همسو قدم بردارد. و سیاست اعتمادسازی را با جدیت در این حوزه‌ها پیگیری کند. و در عین حال سیاست دفاعی نیل به حداکثر بازدارندگی فعال را دنبال کند. اما در خصوص آمریکا و اسرائیل به ناچار باید به سمت استراتژی مدیریت ضربه اول و حداکثر دفاع «آنی» قدم بردارد (صدوقی، ۱۳۸۱: ۷۱۸).

۶-۱- حفظ امکان ضربه دوم در استراتژی تدافعی جمهوری اسلامی ایران

دبیر شورای امنیت ملی در کنفرانس امنیتی تهران اظهار داشت، هیچ یک از کشورهای همسایه و منطقه غرب آسیا به غیر از رژیم صهیونیستی در حوزه تهدیدات جمهوری اسلامی ایران دست‌بندی نمی‌شوند. وی افزود بحران‌های ساختگی موجود تابعی از اهداف و سیاست قدرت‌های فرامنطقه‌ای به منظور سرپوش گذاشتن بر بحران اصلی، تخلیه و انحراف ظرفیت‌های مقابله با رژیم صهیونیستی با شکل‌دهی مسابقه تسلیحاتی و خونین کردن مرزهای جهان اسلام است. وی تلاش برای ایجاد موازنه منطقه‌ای از طریق ارتقاء همبستگی‌های متقابل، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی را راهکاری در دسترس برای تقرب به موقعیت‌های کم‌تنش عنوان کرد و افزود: دکترین امنیتی جمهوری اسلامی ایران بر پایه توان نرم صورت‌بندی گردیده و در بخش دفاعی با تمرکز بر استراتژی ضربه دوم به دنبال بازدارندگی متعارف است (شمخانی، پیشین). دکترین امنیتی ایران، اصولاً دکترین دفاعی و برمیبنای بازدارندگی متعارف غیرمتقارن و با تمرکز بر استراتژی ضربه دوم، سازمان داده شده است. دکترین تهاجمی انطباقی، بطورکلی و اصولی، هیچ سنخیت و تناسبی با دکترین دفاعی بازدارندگی متعارف ندارد. رهبر انقلاب با بیان اینکه ما در مقابل تهدید، تهدید می‌کنیم عملاً نوع رفتار ایران را منوط به رفتار طرف مقابل کرده‌اند. که این آشکارا نشان از غلبه رویکرد تدافعی در تفکر راهبردی ایشان است. چنین رویه‌ای را نیز می‌توان استراتژی «ضربه متعارف دوم» قلمداد نمود که کاملاً بر ابعاد دفاعی و پاسخگویی بر تهدیدات استوار است (برزگر و رضایی، ۱۳۹۵: ۱۶).

۶۴

۶-۲- موشک بعنوان ابزاری استراتژیک در حفظ بازدارندگی و توان ضربه دوم

در طول دهه‌های اخیر راهبرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران برمیبنای بازدارندگی شکل گرفت. و موشک نقش تعیین‌کننده‌ای در این رهیافت و در نتیجه تامین امنیت ایران برعهده گرفت. در واقع الگوی بازدارندگی در مقابل تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی، ظرفیت‌های نظامی ایران در زمینه نظامی و موشکی توانایی

بازدارندگی بیشتری را به همراه خواهد داشت و می‌تواند تامین‌کننده منافع و امنیت ملی کشور در این حوزه شود. موشک عامل مهمی در تامین این هدف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. دستیابی به قدرت موشکی در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. شرایط منطقه‌ای ایران رویکرد خوداتکایی دفاعی را در مقابل تهدیدات خارجی برای کشور اجتناب‌ناپذیر کرد. بازدارندگی بعنوان راهبرد دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران به کسب و ارتقاء تکنولوژی موشکی بسیار تأکید دارد (امینیان و ضمیری جیرسرایبی، ۱۳۹۵: ۵۳-۵۲). بنابه مقتضیات ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران، کشور ما همواره در معرض تهدید قرار خواهد داشت و دشمنان با همه خباثتی که داشتند نتوانستند تاکنون کشور را ناامن کنند و این ناشی از قدرت بازدارندگی ج. ا. ایران است. معامله بر سر توان موشکی با نظام استکباری به معنی محدود کردن «مقاومت مردم ایران» در مقابل زیاده‌خواهی، جاه‌طلبی‌ها و ظلم بیشتر است. تمامی ارکان نظام اسلامی بر اهمیت ارتقاء توان دفاعی و به خصوص افزایش قدرت موشکی ایران اجماع دارند. برنامه موشکی و دفاعی ایران براساس توان بومی و مبتنی بر سیاست بازدارندگی و متوازن با تهدیدات موجود بوده است و اقدامات در خصوص آن کاملاً مسئولانه و منطبق با قوانین و مقررات بین‌المللی است (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۸).

۳-۶- بازدارندگی و استراتژی امتداد عمق راهبردی

۶۵

رهبر انقلاب در دیدار با فرماندهان سپاه «امتداد عمق راهبردی» کشور را از «واجب‌ترین واجبات» دانستند. اگر جمهوری اسلامی ایران یا متحدین کشورمان در این عرصه فعال نبودند بدون شک آمریکا در منطقه هژمون نظامی مطلق بود. جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت شکست‌های راهبردی را برای دشمنان دشمنان ایجاد کرده‌اند. منطق این موفقیت‌ها ریشه در «دکترین راهبردی جمهوری اسلامی ایران» دارد که سیاست دفاعی آن صرفاً از سرزمین خود نیست بلکه ایجاد و بسط «هویت مقاومتی فرامذهبی» در جغرافیای منطقه است. بیانات رهبر انقلاب در جمع فرماندهان سپاه یک جهش چشمگیر در تثبیت قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی بود. که بدون تردید دکترین جدید دفاعی جمهوری اسلامی «نگاه وسیع به جغرافیای مقاومت»، «نگاه وسیع فرامرزی»، «قناعت نکردن به منطقه خودمان»، و «امتداد عمق راهبردی کلید واژه‌هایی راهبردی هستند. که هرکس اندکی از سیاست بین‌الملل بداند متوجه معنی و الزامات آن می‌شود. ویژگی‌های دفاع رو به جلوی ایران به حال در حد و اندازه تبدیل شدن جمهوری اسلامی ایران به یک بازیگر فعال منطقه‌ای بوده است. اکنون این نتیجه بدست آمده و دشمن به دنبال جلوگیری از تثبیت و نهادینه شدن این وضعیت است. اقتضای دکترین جدید انقلاب اسلامی این است که فراتر از تثبیت این قدرت در منطقه خود، به دنبال تقویت نقش در ایجاد همان الگوی موفق باشیم که انقلاب اسلامی را تا به این مرحله از قدرت

رسانده است (جمشیدی، ۱۳۹۸). بر این مبنا امتداد عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران ارتباط مستقیم با سیاست دفاعی و بازدارندگی کشور در راستای افزایش قدرت بازدارندگی دارد.

۴-۶- استراتژی مقاومت حداکثری در مقابل فشار حداکثری با هدف پیشگیری از تهدیدات

تحریم‌های اقتصادی و فشار حداکثری با هدف بی‌ثبات‌سازی جمهوری اسلامی ایران انجام شده است و مقاومت راز بقا جمهوری اسلامی ایران در برابر آمریکا و متحدانش است. سیاست‌های آمریکا به نام فشار حداکثری نام دارد. استراتژی جمهوری اسلامی ایران در برابر این اقدامات را می‌توان اینگونه بیان کرد: مقاومت مساوی هست با بقاء، عقب‌نشینی دشمن و دست کشیدن دشمن از خواسته‌های غیرمعمول، مقاومت ج. ا. ایران منافع ملی کشور را در برابر آمریکا و متحدانش تامین می‌کند. فشار حداکثری آمریکا مجموعه‌ای از جنگ‌های اقتصادی، روانی، فرهنگی، اطلاعاتی و سیاسی است که جنبه اقتصادی و روانی آن بیش از سایر حوزه‌ها خودنمایی می‌کند. در مقابل جمهوری اسلامی ایران راهبرد بازدارندگی و مقاومت حداکثری را برای مواجهه با استراتژی فشار آمریکا در پیش گرفته است. راهبرد ج. ا. ایران در بالاترین سطح فعال شده است. رهبر ایران اتصال موضوع تحریم‌های اقتصادی آمریکا به موضوع مهمتر امنیت ملی و ضرورت مواجهه با تهدید بزرگتر بی‌ثباتی و حتی احتمال فروپاشی دولت ایرانی توانسته منطق مقاومت حداکثری را در عرصه سیاست داخلی ایران تقویت کند بویژه از دیدگاه جامعه ایرانی مقصر اصلی در موج جدید تخاصم بین آمریکا و ایران دولت ترامپ از برجام خارج شده تا به ضرر منافع ایران اقدام کند. ایران در تصمیم استراتژیک خود در برابر سیاست‌های زیادی خواهانه ترامپ مصمم است و حتی توانایی لازم مقابله با آن را دارد. همزمان ایران به بازیگران پیام فرستاد که روی سیاست منطقه‌ای و فعالیت موشکی خود سازش کند، ایران با منطق پیشگیری از تهدیدات امنیت ملی و بازدارندگی هیچگونه سازشی نمی‌کند. هدف اصلی رهبر ایران کاهش احتمال وقوع جنگ با آمریکا از طریق افزایش قدرت ملی است. بر این مبنا واکنش ایران به تهدیدات به هدف پیشگیری از وقوع تهدیدات بزرگتر امنیتی و اقتصادی برای دولت ایرانی است (برزگر، پیشین). با افزایش حجم تحریم‌های ظالمانه و خلاق حقوق بین‌الملل علیه کشورمان توسط آمریکا و متحدان این کشور نخبگان سیاسی امنیتی جمهوری اسلامی ایران بخصوص رهبر انقلاب تدابیر بسیار هوشمندانه‌ای را در پیش گرفتند. در برابر میزانی از تهدیدات گسترده علیه کشور استراتژی جمهوری اسلامی ایران مقاومت حداکثری در مقابل تهدیدات است. هدف دشمن از افزایش تحریم و تهدیدات علیه ایران عقب‌نشینی کشور از منافع ملی است. تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کشور باتوجه به فرامین رهبر انقلاب با اجرای مقاومت حداکثری در برابر فشار حداکثری دشمنان ایستادگی کردند که این استراتژی هوشمندانه و واقع‌گرایانه در راستای مهار و پیشگیری از تهدیدات است که دارای ماهیت بازدارندگی تدافعی است و منافع ملی کشور را حفظ می‌کند. اعتبار و منزلت کشور در

عرصه بین‌المللی بدلیل اقدامات کشورمان در قالب مقاومت و ایستادگی در برابر دشمنان است. استراتژی مقاومت و ایستادگی در برابر تحریم‌ها و تهدیدات ظالمانه آمریکا و متحدانش در قالب رویکرد واقع‌گرایانه-تدافعی با هدف بازدارندگی و جلوگیری از اتخاذ تصمیمات خصمانه دشمنان علیه امنیت ملی کشور است.

نتیجه‌گیری

راهبرد دفاعی که ترکیبی از دو مفهوم راهبرد و دفاع است. چهارچوبی را تبیین می‌کند که می‌تواند در این چهارچوب برای حفظ منافع و ارزش‌های حیاتی یک کشور و برای دستیابی به اهداف سیاست دفاعی و چهارچوب سیاست امنیت ملی، راهبردهای نظامی و غیرنظامی را شامل می‌شود. هرچند راهبرد نظامی بیش از راهبردهای دیگر به مقوله دفاع نزدیک است و بدین سبب جنگ و نظامی‌گیری ارتباط مستقیم و دقیق‌تری با راهبرد دفاعی برقرار می‌کند ولی راهبرد دفاعی را به آن مجموعه از طرح‌ها و روش‌ها اطلاق می‌کنیم که بتوان در آنها با بکارگیری ابزار، وسایل، امکانات و توانمندی‌ها به اهداف سیاست دفاعی دسترسی پیدا کرد. راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران براساس منافع و اهداف ملی در سطح راهبردی تدوین می‌گردد. راهبرد نظامی دفاعی نوعی راهبرد نظامی است که مبنای خود را دفاع قرار داده است. تدوین راهبرد دفاعی برای یک کشور امری بسیار حیاتی است. الگوی انتخابی برای جمهوری اسلامی ایران راهبرد دفاعی با دو رویکرد^{۶۷} بازدارندگی و نبرد نامتقارن می‌باشد که عنصر اولی بیشتر برای قدرت‌های منطقه‌ای هم طراز مطرح می‌باشد و عنصر دوم برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای که از نظر توان فاصله زیاد و غیرقابل قابل جبرانی را برای ما دارند. روش طراحی راهبرد دفاعی برای جمهوری اسلامی ایران می‌تواند تهدید محور با نگاهی به توان و مقدرات باشد که به آن روش ترکیبی می‌گویند. راهبرد باید همواره زنده و پویا باشد و انعطاف لازم را برای انطباق با شرایط جدید دارا باشد. اصول و دکترین نسبتاً پایدارند لکن راهبرد نسبت به نوع تهدیدها و تغییرات وضعیت دچار تحول می‌گردد. نگاه ایران نسبت به ثبات استراتژیک در منطقه بیشتر مبتنی بر چگونگی دفع تهدیدات ژئوپلیتیک دولت‌های متخاصم و ایدئولوژی‌های افراطی طالبان، القاعده و داعش بوده است. بسیاری از استراتژی‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران با هدف مهار تهدید آمریکا و واکنشی به سیاست‌های منطقه‌ای این کشور بوده است. عربستان بعنوان یکی از متحدان اصلی آمریکا در منطقه توان ائتلاف‌سازی برای ایجاد تهدید علیه ایران را داشته است. ژئوپلیتیک پیرامونی جمهوری اسلامی ایران همواره تهدیدات امنیتی زیادی را متوجه امنیت ملی کشورمان داشته است. بنحویکه دغدغه امنیت همواره بدلیل شرایط حاکم بر محیط پیرامونی کشور بر تصمیمات نخبگان سیاسی و امنیتی کشور تاثیر زیادی داشته است. در این راستا دو طیف و دیدگاه متفاوت در نوع جهت‌گیری مقابله با شرایط و تهدیدات علیه کشور وجود دارد. نگاه اول نوعی نگاه

لیبرال و خوش‌بینانه است که به تحولات و تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای علیه کشورمان از دید منعطف و کم‌شدت می‌نگرد. به نوعی که در این دیدگاه تهدیدات علیه کشور را در قالب غیروجدی می‌داند و روش مقابله با این تهدیدات را هم از طریق سازش، انعطاف و ... دنبال می‌کند. نگاه دوم و البته غالب و مسلط در افکار عمومی و حکومت نوع مقابله با تهدیدات خرد، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را از منظر واقع‌بینانه و رئالیستی توصیه می‌کند که این دیدگاه به معنی نگاه بدبینانه به تحولات حوزه راهبردی نیست بلکه به بیانی دقیق‌تر دارای رویکرد هوشمندانه و عقلانیت محور است. این دیدگاه معتقد است شیوه مقابله با تهدیدات ضدامنیتی علیه کشور از منظر دولت واقع‌گرایی است به عبارتی دیگر روش مقابله با تهدیدات را اقدام فوری، مقابله به مثل، دفاع فعال و هوشمندانه در برابر دفع تهدیدات امنیتی معرفی می‌کند. ایران با حجم وسیعی از تهدیدات متفاوت روبروست و شرایط منطقه‌ای برای تبدیل تهدیدات بالقوه به بالفعل نقش تسریع کننده را ایفا می‌کنند تا این تهدیدات بعنوان معضلات امنیتی علیه کشورمان فعال شوند. فضای خاص منطقه‌ای و همچنین نوع نگاه غیرواقع‌بینانه‌ای که دیگر بازیگران به کشورمان دارند هزینه‌های امنیتی زیادی را به کشور تحمیل می‌کند. سه سطح گسترده از تهدیدات علیه امنیت ملی کشور فعال هستند که کشورمان برای مقابله با این تهدیدات الزام راهبردی در مقابله فوری با حجم وسیعی از تهدیدات را دارد. تعداد زیادی از گروه‌های تروریستی در منطقه حضور دارند که به محض شکل‌گیری و قدرت‌گیری هدف خود را مقابله با ایران و شیعیان به شیوه‌ای حذفی و فرقه‌گرایانه معرفی می‌کنند. بازیگران منطقه‌ای به لحاظ نظامی بخصوص عربستان سعودی با خرید تسلیحات گسترده از غرب و رژیم صهیونیستی با داشتن زرادخانه هسته‌ای تلاش ویژه‌ای دارند تا موازنه قوای منطقه‌ای را به ضرر جمهوری اسلامی ایران تغییر دهند و در سطح منطقه‌ای با کاهش عمق استراتژیک و حوزه راهبردی کشورمان تهدیدات گروه‌های تروریستی را به مرزهای فوری کشور منتقل کنند، همچنین به لحاظ سیاسی و اقتصادی ائتلاف‌های منطقه‌ای را علیه کشورمان ایجاد کنند تا فشار تحریم‌های اقتصادی را علیه کشورمان شدت بخشند. حضور نیروهای آمریکایی و فرامنطقه‌ای در منطقه وجود پایگاه‌های متعدد نظامی آمریکا در اطراف کشورمان، خروج آمریکا از برجام و ایجاد تحریم‌های اقتصادی بی‌سابقه و فشار حداکثری علیه کشورمان نشان از جدیت دشمنان در عملی ساختن تهدیدات دارد. دکترین امنیتی ایران ضمن هوشیاری و مقابله موثر با تهدیدات دارای ماهیت تدافعی، پیشگیرانه و دقت عمل بسیار زیادی است. نخبگان سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران «سپاه و ارتش» بر مبنای تهدیدات به دنبال ایجاد بازدارندگی فعال هستند تا در نقطه شروع تهدید با تهدید مقابله موثر و فعال داشته باشند. مهم‌تر از بازدارندگی فعال حفظ توانمندی نظامی و امنیتی کشور در راستای حفظ ضربه دوم است. مجموعه این عوامل بهم پیوسته تشکیل دهنده دکترین دفاعی-امنیتی ایران است. دشمنان کشورمان تلاش ویژه‌ای دارند تا دکترین دفاعی-امنیتی کشورمان را بصورت تهاجمی در سطح منطقه و جهانی معرفی کنند، اما دکترین

امنیتی ایران دارای ماهیت صرفاً تدافعی و پیشگیرانه است و در قالب تئوری رئالیسم نئوکلاسیک تدافعی جای می‌گیرد تا با مهار تهدیدات و اقدامات پیشگیرانه امکان اقدام عملی تهدیدات علیه کشور را از دشمنان و بازیگران متخاصم سلب کنیم.

ضروری است در تمامی سطوح به افکار عمومی جامعه در مورد ماهیت تدافعی دکتترین امنیتی کشور در قبال تهدیدات و الزام راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات توضیح داده شود. در عرصه بین‌المللی نخبگان در قالب دیپلماسی رسمی و غیررسمی تلاش ویژه‌ای در راستای تبیین ماهیت تدافعی دکتترین امنیتی-نظامی کشور داشته باشند. جامعه نسبت به الزام راهبردی آماده بودن کشور در مقابله موثر و فعال با تهدیدات آگاهی داشته باشد و همواره به این درک برسد که دکتترین امنیتی که از سوی رهبر انقلاب ارائه می‌شود و توسط نخبگان سیاسی-امنیتی عملیاتی می‌شود در منطقه پرآشوب غرب آسیا تمامی سطوح تهدیدات را از کشور دور کرده است. بگونه‌ای که ایران تنها کشور در منطقه غرب آسیا است که دارای امنیت پایدار، بلندمدت و راهبردی است. ضمن توجه ویژه به این موضوع که تمامی رهیافت‌ها، رویکردها و ابزارهای دکتترین امنیتی کشور از نوع خوداتکایی و داخلی هستند. نخبگان علمی و دانشگاهی شایسته است به تبیین و معرفی ماهیت تدافعی و بازدارنده دکتترین امنیتی کشور در سطح منطقه‌ای و جامعه جهانی در قالب دیپلماسی دفاعی-عمومی بپردازند. تا جامعه جهانی در مورد موضع مطلوب و صلح‌ساز کشورمان را به صورت ۶۹ واضح و شفاف به آگاهی برسد. همچنین شایسته است محققان و پژوهشگران نقش غیرسازنده و تخریب کننده بازیگران متخاصم منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بخصوص رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی و آمریکا را در ایجاد تهدیدات امنیتی گسترده نظامی، سیاسی، اقتصادی علیه کشورمان را مورد بررسی جامع قرار دهند

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- آدمی، علی و کشاورز، الهام (۱۳۹۳)، «قابلیت هسته‌ای ج.ا. ایران»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۳، ش ۱.
- ۲- آرنای، ستوده و هادی ترکی، محمد (۱۳۹۴)، «بیداری اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فرصت‌ها، تهدیدها، راهبردها»، فصلنامه علوم سیاسی، س ۱۸، ش ۷۱.
- ۳- ابوترابی، حسین (۱۳۹۷)، «افزایش قدرت دفاعی بازدارنده رمز امنیت ایران اسلامی است»، خبرگزاری بین‌المللی قرآن. <http://www.qazvin.iqna.ir>
- ۴- افتخاری، قاسم و باقری دولت‌آبادی، علی (۱۳۸۹)، «اعمال فشار آمریکا و تشدید گرایش ایران به استراتژی بازدارندگی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، ش ۴.

- ۵- اکبری، علیرضا (۱۳۹۵)، «حضور فرامرزی ج.ا. ایران قابل توجیه است»، **خبرگزاری دیپلماسی ایرانی**.
<http://www.irdiplomacy.ir>
- ۶- باقری، محمدحسین، (۱۳۹۷)، «امنیت پایدار در گرو افزایش قدرت بازدارندگی»، **خبرگزاری تسنیم**.
<http://www.tn.ai>
- ۷- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی»، **فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی**، س ۱، ش ۱.
- ۸- برزگر، کیهان و رضایی، مسعود (۱۳۹۵)، «راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران از منظر آیت‌اله خامنه‌ای»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، س ۱۹، ش ۴.
- ۹- برزگر، کیهان (۱۳۹۶)، «ج.ا. ایران از استراتژی مهار چندجانبه برای مقابله با تهدیدات استفاده می‌کند»، **خبرگزاری تسنیم**.
<http://www.tn.ai>
- ۱۰- برزگر، کیهان (۱۳۹۷)، «راهبرد سیاست خارجی ایران در توازن قوای منطقه‌ای»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، س ۲۱، ش ۴.
- ۱۱- بزرگمهری، مجید (۱۳۹۱)، **تاریخ روابط بین‌الملل**، ج ۶، تهران: نشر سمت.
- ۱۲- جمشیدی، محمد (۱۳۹۸)، «دکترین جدید امنیتی ایران در گام دوم/کلید واژه‌های راهبردی کدام است؟»، **خبرگزاری مهر**.
www.mehrnews.com
- ۱۳- خبرگزاری فارسی آیت‌اله خامنه‌ای (۱۳۹۸)، «حضور و سخنرانی رهبر معظم انقلاب در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی»، **دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌اله خامنه**.
<http://www.kamenei.ir>
- ۱۴- دانش آشتیانی، محمدباقر و رستمی، علی (۱۳۹۵)، «تحلیلی بر دکترین نظامی-امنیتی مقام رهبری فرماندهی کل قوا در محیط ملی و بین‌المللی»، **فصلنامه علوم و فنون نظامی**، س ۱۲، ش ۳۶.
- ۱۵- دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۷۶)، **نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل**، مترجم: علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس.
- ۱۶- دهشیری، محمدرضا و غفوری، مجتبی (۱۳۹۴)، «الزامات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال سیاست‌های خاورمیانه جدید آمریکا»، **فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان**، س ۳، ش ۱۲.
- ۱۷- ذولفقاری، مهدی و خسروی، ایمان (۱۳۹۵)، «تحریک‌بخشی به دیپلماسی دفاعی در پرتو فرصت‌ها و تهدیدات برنامه اقدام سازمان ملل و تاثیر آن بر امنیت نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره ۱، ش ۲۲.
- ۱۸- زارعی، بهادر و پیلتن، فرزاد (۱۳۹۷)، «بررسی عوامل واقع‌گرایی ایرانی از منظر جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۵۰، ش ۲.
- ۱۹- سلطانی، ناصر و دیگران (۱۳۹۵)، «شناخت و ارزیابی اولویت‌بندی عوامل، کدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیک ترکیه در تدوین چشم‌انداز سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه علوم و فنون نظامی**، س ۱۲، ش ۳۵.

- ۲۰- سیف‌زاده، حسین (۱۳۶۸)، **نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل**، تهران: نشر قومس.
- ۲۱- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۹)، **اصول روابط بین‌الملل**، چ ۶، تهران: نشر میزان.
- ۲۲- شمخانی، علی (۱۳۹۴)، «مشغول حفظ بازدارندگی هستیم»، **خبرگزاری تسنیم**.
<http://www.tansimnews.com>
- ۲۳- صادقی، سید شمس‌الدین و دیگران (۱۳۹۴)، «بحران سوریه و مناقشه ژئوپلیتیک قدرت‌های منطقه‌ای»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، س ۴، ش ۱۶.
- ۲۴- صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۱)، «تاثیر حادثه ۱۱ سپتامبر بر سیاست دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی محقق**، س ۵، ش ۳.
- ۲۵- ضمیری جیرسرای، شفق و امینیان، بهادر (۱۳۹۵)، «تاثیر رژیم کنترل تکنولوژی بر امنیت و توان بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه آفاق امنیت**، س ۹، ش ۳۲.
- ۲۶- عسگرخانی، ابومحمد حق‌شناس، محمدرضا (۱۳۹۰)، «تهدیدهای منطقه‌ای و راهبرد تسلیحاتی ج. ا. ایران»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، س ۹، ش ۳۳.
- ۲۷- عسکری حصن، شهرام و دیگران (۱۳۹۶)، «بررسی مفهوم امنیت از منظر رئالیسم، لیبرالیسم، انتقادی، سازه‌نگاری»، **فصلنامه سپهر سیاست**، س ۱۴، ش ۱۱.
- ۲۸- قنبری، سمیه و دیگران (۱۳۹۵)، «استحکام درونی قدرت ملی ج. ا. ایران در اندیشه مقام رهبری: با تأکید بر مولفه‌های دفاعی-امنیتی»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، س ۶، ش ۴.
- ۲۹- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۹۰)، **روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و رویکردها**، چ ۵، تهران: نشر سمت.
- ۳۰- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۲)، **اصول سیاست خارجی و بین‌الملل**، چ ۱۹، تهران: نشر سمت.
- ۳۱- کلهر، رضا (۱۳۸۳)، «اطلاعات استراتژیک و تصمیم‌گیری در حوزه امنیت ملی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، س ۸، ش ۲.
- ۳۲- گنجی، عبدالله (۱۳۹۸)، «قامت رشید مقاومت و بازدارندگی فرامی»، **خبرگزاری تسنیم**.
<http://www.tansimnews.com>
- ۳۳- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۳)، **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، چ ۹، تهران: نشر سمت.
- ۳۴- منصوری آرنی، عباسعلی (۱۳۹۸)، «مواضع قاطع رهبر معظم انقلاب ترسیم کننده دکترین دفاعی کشور»، **خبرگزاری آنا**.
<http://www.ana.ir>
- ۳۵- وثوقی، سعید و شیخون، احسان (۱۳۹۱)، «دیدگاه نظریات روابط بین‌الملل به تحول اطلاعاتی و تاثیر آن بر مفهوم امنیت»، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، ش ۳۰.
- ۳۶- هژبری، محمدعلی (۱۳۹۶)، «موشک‌های سپاه و معمای امنیت در منطقه»، **روزنامه دنیای اقتصاد**.
<http://www.donya-e-eqtasad.com>

۳۷- نجات، سیدعلی (۱۳۹۳)، «رویکرد سیاست خارجی ج.ا. ایران در قبال تحولات خاورمیانه»، فصلنامه سیاست، س ۱، ش ۴.

۳۸- نوروزی، رسول (۱۳۹۳)، «رنالیسم، امنیت، جنگ، رنالیسم تدافعی، رنالیسم تهاجمی، روابط بین‌الملل، علوم سیاسی». <http://pajoohe.ir/>

لاتین:

39- rose, Gideon (1998). Neoclacical realism and theories of foreign policy authoris. Gideon rose sure: *World politics*. Vol.51. No.1.

40- Tudaro, olia (2012). Putting the classical neoclassical realism: neoclassical realist theories andus explantion in the post-cold war. tudaronea first published june. www.dio.org

